

بهترین و مهمترین محل مصرف اصل و فاضل

عایدات مملکت

بقلم آقای تقی زاده

از مدتی باین طرف در مقام مباحثه و غور و شور در اسباب
عمده ضعف و انحطاط ایران و وسائل اساسی ترقی جمع می گفتند و
نوشتند که مهمترین و مقدم ترین و اساسی ترین و واجب ترین این
وسائل نشر علم و در واقع سواد است در میان ملت و پافشاری داشتند
از اینکه این «ترین» بمعنی حقیقی آن فهمیده شود یعنی واقعاً مهمترین
کل مسائل این فقره است و بس، نه آنکه مثل بعضی ناطقین و محررین
ما بگویند هم تعلیم عمومی مهمترین است و هم صحت عمومی واجب
ترین و هم امور اقتصادی اساسی ترین و غفلت کنند از اینکه «ترین»
در میان امور مختلفه همیشه یکی است و بس.

این جانب نیز از جمله اشخاصی بوده و هستم که همیشه با کمال
صراحت و رسوخ این عقیده را تأیید و تبلیغ می کردم. در ضمن مباحثات
و مذاکرات همیشه می شنیدم که بعضی اظهار عقیده می کردند بر این که
اغلب مردم حالا ملتفت این حقیقت یعنی اینکه تعلیم عمومی در میان
اصلاحات مملکتی درجه اول را دارد هستند. این جانب همیشه برخلاف
این عقیده داشتم و دائماً اظهار کرده ام که هیچ نوع نهضت و انتباهی
در این باب شروع نشده و آثار هیچگونه الثفات و توجهی باین حقیقت
بزرگ مشهود نیست.

بزرگترین دلیل من این بود که مظهر افکار عامه هر مملکت
مشروطه رویه دولت است و دولت غالباً روشن بین ترین هیئت موجوده
در مملکت است پس اگر نهضتی در ملت و توجهی در دولت با اهمیت حقیقی

و حیاتی تعلیم عمومی ولو جزئی بود آثار آن در بودجه مملکتی ظاهر میشد در صورتیکه ارقام مخارج مدارس ابتدائی و دارالمعلمین در بودجه کل بیشتر از آنچه ابتدا بتوان حدس زد شرم انگیز و نومیدی بخش است. این مذاکره سالی یکبار در موقع مذاکره بودجه در روز های آخر هر سالی پیش میامد و مانند تمام مسائل دیگر راجع به بودجه و انتقادات در آن بابها فقط يك جواب داشت و آن این بود که « آنچه مبرمائید صحیح است ولی حالا که دیگر موقع گذشته و روز آخر سال است و بر فرض صحت ایرادات تغییری نمیتوان داد و انگهی این بودجه کاملاً اخذ و خرج شده و در واقع شور در آن يك اجرای تکلیف اسمی بیش نیست و اگر هم مجلس رد کند پول را از مردم نمیشود پس گرفت کمیون بودجه مجلس هم که دیده و تصدیق کرده ! ! انشاء الله این ملاحظات در بودجه سال آینده در نظر گرفته میشود. » این يك مشت اظهارات قالبی هر سال تکرار میشود و بدبختانه مجلس ملی یا افراد اعضای آن هیچ نوع دخالتی و نظارت و اثری در بودجه ندارند و تنها کمیون بودجه مجلس تا اندازه عقاید یا تمایلات شخصی اعضای خود را نفوذی در بودجه میدهد کسیکه خارج از کمیون است اگر وکیل بانفوذی هم باشد هیچ راهی ندارد که بعقاید خود در موضوع بودجه ترتیب اثری بدهد در موقعیکه در وزارتخانهها بودجه را مینویسند که اعضای مجلس را اطلاعی نیست و اگر هم باشد راه مداخله و تأثیری در تقسیم عایدات مملکت متناسب اهمیت رشته های مختلف امور دولتی ندارد و وقتیکه بودجه وارد مجلس هم شد باز بکمیسیون میرود و رأی اعضای کمیون دخالت دارد و روز آخر سال هم حسب معمول بعجله بمجلس میاید که حکم تفریح حساب را دارد

غالباً جواب نمایندگان قوه اجرائیه در مقابل تقاضا کنندگان تخصیص قسمت بیشتری از عایدات مملکت با مر معارف عمومی این بوده که در آئیه برای این کار توجه خواهند کرد و فعلاً پول نیست لکن آخرین اقدام دولت در تقسیم قریب يك كرور تومان اضافه عایدات سال گذشته بین وزارتخانههای مختلف هر شك و شبهه ای را در باب عدم توجه اولیای دولت با اهمیت حقیقی نشر معارف زایل نمود. دولت از چهار صد و هفتاد هزار تومان اضافه عایدات فقط قریب هفتاد هزار تومان مخصوص وزارت معارف نموده باقی را میان وزارتخانههای دیگر قسمت کرد آیا نمیشد این پول را تماماً صرف تأسیس دارالمعلمین ها و دارالمعلمات کرد یا در یکی از بانگهای خارجه گذاشته و سالی پنجاه نفر محصل علوم صنعتی و فنی بخارجه فرستاد. هیچ محملی باین حرکت دولت جز عدم التفات کافی بعظمت تأثیر نشر علم در نجات قطعی مملکت نمیتوان پیدا کرد

اگر شخص واقعاً احساسات ترقی مملکت و وطن پرستی داشته باشد ولو آنکه آن احساسات بحد اعتدال بوده و تند نباشد از ملاحظه اسرافات در وجوه ملی و صرف عایداتی که از این مملکت گدا و فقیر و لخت و گرسنه با کشیدن پوست آنها در یافت و جمع خزانة طهران میشود در امور بیمعنی یا کم اهمیت قطعاً ناخوش میشود حتی دلهر انسان صحیح غیر ایرانی هم خون میشود این مملکت که فعلاً فقیرترین ممالک دنیا است و مردم آن در ولایات نان ندارند بخورند و مبتلای امراض گوناگون هستند ر بدبخت ترین اقوام روی زمین شده اند نه تنها باید برای « زرق و برق » و سور و سرورهای بی لزوم و برای بنای عمارت عالیة طرح اروپا صد هزارها تومان بدهد بلکه برای اینکه این

طهران و حتی متمولین آنجنان را از قیمتی که تمام میشود ارزاتر بخورند باید بدست يك اداره منظم که امید خیر خواهان در آن تمرکز دارد در یکسال دو ملیون تومان (۱) باج بدهد یعنی ضرر کسر قیمت نان را خزانه بپردازد در ظرف همین يك سال یعنی از اول خرداد ماه سال گذشته تا حال علاوه بر اسرافات بیمعنی و بیجائی که در مخارج منظمه دولت همیشه میشود و قطعاً دست کم يك ثلث کل بودجه بیجا صرف میشود از مخارج فوق العاده بی لزوم که دولت کرده و بالغ بر سه ملیون تومان است از ضرر نان طهران و ۴۷۰ هزار تومان اضافی آخر سال و سایر «زرق و برق» ها باسانی میشد درجه معرفت این ملت را يك پله بالا برد با این پول ممکن بود صد نفر محصل باروینا فرستاد که نصف آنها علم تربیت و معلمی و نصف دیگر علوم صنعتی و فنی بیاموزند و در هر کدام مراکز ولایات عمده يك معلمخانه یعنی دارالمعلمین ساده تری تأسیس و هزار باب مدرسه ابتدائی در دهات بنا کرد مخارج تحصیل صد نفر در فرنك در پنج سال از يك کرور تجاوز نمیکند و مصارف دارالمعلمین ها با همه لوازم و مقدمات آن پنج سال يك ملیون و نیم حساب کنید مخارج مدارس ابتدائی دهات هم در یکسال يك ملیون تومان بیشتر نخواهد شد اهمیت معارف برای مملکت و رد زبان همه شده ولی واقعاً اشخاصیکه اهمیت حیاتی این مسئله را در نجات مملکت کاملاً دریافته و بقدر کافی بحقیقت مطلب پی برده اند بدبختانه بسیار کم هستند هزار بار لازم است تکرار شود که بدون انتشار تعلیم عمومی آنهم بسرعت ممکن

(۱) تفاوت قیمت نان طهران که دولت پرداخته در نیمه اخیر سال گذشته يك ملیون و چهار صد هزار تومان شده ولایت در ماههای اول امسال هم تا موقع خرمن افلا ششصد هزار تومان خواهد شد

نجات این مملکت مجال عقلی است و سایر اقدامات مفیده مهمه از کشیدن خط آهن و بستن سدها و ترقی و اصلاح فلاحت و ترقیات اقتصادی و دفع امراض انسانی و حیوانی باوجود فواید عظیمه آنها بقای استقلال و روح ملی ما را ضامن نیست و يك ضربت خارجی کافی است برای این که همه آن بناها را درهم شکنند. تنها چیزیکه مایه نجات قطعی و حفظ ملیت ایران تواند شد همانا انتشار تعلیم و تربیت و در واقع باسوادى عامه ملت است و بس

اگر ازسواد عمومی یعنی انتشار تعلیم ابتدائی سخن گفته میشود ابتدا مقصود تقلیل اهمیت تعلیم عالی نیست بلکه جهت عمده عظمت خود کار و عظمت نتیجه آنست. بلاشك داشتن هزار نفر و بلکه پنج هزار نفر مهندس و مأمور صحی لایق و عالم و عالمین علم فلاحت و غیره واجب ضروری است ولی نه ایجاد يك عمده دارای علوم عالی کار. مشکل و محتاج بهمت فرق العاده است و در صورت حصول این مقصود نجات مملکت حتمی است لکن داشتن ملت باسواد و تعلیم دیده هم کار بزرگ و محتاج بيك اقدام عظیم ملت و دولت صاحب عزم است و هم نتیجه آن در حیلته ملی ایران صدبار بزرگتر از اقدام اولی است

مباحثه و مذاکره شفهی و کتبی با رعایت حدود و آداب منظره و مخصوصاً مراعات منطق بسیار چیز مفیدی است و ممکن است نتایج خوبی بخشد ولی بدبختانه غالباً بحث های مادر صفحات جراید و مجلات کاملاً بر اساس منطقی جریان نمییابد و در جواب خصم (اگر استعمال این لفظ در این مورد صحیح باشد) تین مدعای او را مطرح نکرده تاویل بمالایرضی صاحبیه میکنیم و بآنچه خود در دهان معارض میگناریم جواب میدهم. مثلاً در یکی از مجلات پایتخت موضوعی بعنوان اقتراح مطرح

شد ، راجع باینکه تعلیم ابتدائی مهم تر است یا تعلیم عالی ، این سؤال برای هر کسی که از راه منطق داخل مسائل بشود واضح است و باید بدیهی باشد مقصود فرض وجود یکی از این دو قسم تعلیم با فقدان کامل قسم دیگر نیست یعنی مقصود آن نیست که آیا بهتر است در مملکتی همه مردم بدون استثناء مدرسه ابتدائی دیده و صاحب سواد باشند و یک نفر از تمام مملکت پیدا نشود که مدرسه متوسطه وغالبه دیده باشد یا آنکه دو سه هزار نفر دارای تعلیمات عالی موجود باشد و باقی مردم بالعموم بیسواد باشند و در سرتاسر مملکت بکنفر با سواد نباشد یک چنین سؤالی با این فرض عجیب بقدری سوفسطائی و نیش غولی است که اصلاً ارزش مباحثه زیاد ندارد و نتیجه مهمی از بحث در آن نمیشود گرفت بلکه مقصود قطعاً آن بوده که از این دو قسم تعلیم که هر دو کمال اهمیت را دارد و بدون یکی از آنها حیات ملت مختل میشود کدام یک مهم تر و تأثیرش در حیات ملی بزرگتر است بعینه مثل اینکه علمای علم ابدان مباحثه میکنند در اینکه قلب برای بدن انسانی مهمتر است یا دماغ و در این خصوص یعنی در اثبات و ترجیح یکی بر دیگری در اهمیت استدلال مینمایند بدون آنکه ابدأ قصد داشته باشند که بگویند بدن بی قلب و با دماغ بهتر است یا با قلب و بی دماغ که هر دو فرض مضحکی است و قطعاً در مقام مباحثه مدعی اهمیت دماغ بمعارض خود نخواهد گفت ای آنکه اینقدر بی شعوری که تصور میکنی آدم میتواند بدون دماغ زندگی کند مگر نمیدانی که مرکز حواس و حرکات دماغ است و نخاع مگر غافلی که زندگی بدون دماغ غیر ممکن است . . . الخ ! ! و همچنین دیگری در جواب نخواهد نوشت که شما که تصور میکنید آدم با داشتن دماغ از قلب مستغنی است مگر اینقدر

کوری که ندانی که خون که واسطه تغذیه بدن است بواسطه قلب در بدن دوران دارد و قلب ماشین اصلی جریان غذا درشراین واورده است و اگر دقیقه ای از کار بایستد مرك فجائی را موجب است همین طور اگر دو نفر در درجه اهمیت ماشین (لکوموتیف) راه آهن و خط آهن (ریل) بحث کند نتوان گفت که بحث معقولی نیست با وجود آنکه واضح است نمی توان فرض کرد ریل بی ماشین ثمری داشته باشد یا ماشین بی خط آهن منشأ اثری گردد

لکن بمجرد اینکه بحث در درجه اهمیت تعلیم ابتدائی و عالی برای مملکت پیش میاید با آنکه مدعی مهم تر بودن تعلیم ابتدائی صدبار تکرار میکنند که وی منکر اهمیت تعلیم عالی نیست و آنرا نیز ضروری میدانند. باز در جواب او گفته میشود « اگر همه مردم با سواد باشند و اشخاص تعلیم عالی دیده موجود نباشد چگونه مردم جاهل در تاریکی راه را پیدا خواهند کرد و این اسب های تازی سبک بی و تربیت شده بدون شهسوار کجا توانند رفت یا این زمین ستمد و پرفروه و رشوه دیده بدون تخم پاشی چه چیز خواهد رو بآید یا خط آهن سرتاسر مملکت بانداستن لکوموتیف و قطار چه ثمری خواهد داشت پس معلوم و ثابت شد که مدعی اهمیت تعلیم ابتدائی منکر بدیهی ریاحتل الشعور است » و اگر این بحث مدتها طول بکشد و هر کدام از صاحبان دو رأی مخالف صد مقاله بنویسد و در مقالات خود واضح و صریح بگوید که مقصود او نفی قسم دیگر تعلیم یا فرض فقدان آن نیست بلکه هر دو را حتمی و ضروری و در درجه اعلا مفید و واجب میدانند باز در هر مرتبه معارض او در جواب خواهد نوشت « ایکه میگوئی تعلیم ابتدائی لازم نیست یا اهمیتش کم است مگر ملتفت این امر بدیهی

نیستی که اگر ده هزار نفر مردمان عالم در مملکت باشند و غیر از آنها صاحب سوادى نباشد پیشرفت کار آنها غیر ممکن خواهد شد» یا بالعکس خواهد گفت « شما که مدعى کم اهمیت یا بی لزوم بودن تعلیم عالی هستید باید فکر کنید که اگر در مملکتى يك نفر طبیب و يك مهندس بومى نباشد با وجود انتشار سواد چه ترقى ممکن است »

منظور اینست که در مقام بحث رعایت منطق کاملاً بعمل نیاید و حرف مدعى بطور صحیح و بمعنی مقصود تلقى نمیشود اینجانب از اشخاصی بودم که در مسئله اهمیت تعلیم ابتدائى و عالی کفۀ ترازوى تعلیم ابتدائى را سنگین میدیدم و هنوز در این عقیده راسخ اصول عقیده سیاسى من آنست که از تمام امورات مملکتى ما امروزه سه چیز مهم ترین کل آنها است و باید صدی پنجاه عایدات مملکت صرف آن امور بشود آن سه چیز عبارتست از معارف و صحت عمومى و وسائل ترقى اقتصادى (که مهم ترین این وسائل نیز راه و ایجاد آب و ترقى فلاح است) در میان این سه رشته امور نیز معارف را در درجه اول مهم میدانم یعنی نشر تعلیم ابتدائى در مملکت و با سواد کردن اکثریت نفوس ایران و تربیت عده کافى مردمان هنر مند و متخصص فنى بمعنی اروپائى این کلمه اولین اساس نجات مملکت است از این دو شعبه معارف نیز تأثیر و اهمیت شعبه اول یعنی تعلیم عمومى ابتدائى را خیلی بزرگتر میدانم و معتقدم که باید قسمت اعظم قوا و اوقات پیشوایان مملکت و عایدات خزانه صرف این کار بشود و اگر میخواهیم استقلال ملی ما محفوظ بماند باید از فرصت تاریخی حالیه استفاده کرده بشر تعلیم ابتدائى اهتمام فوری بنمائیم ولی بهیچوجه منکر اهمیت تعلیم عالی نبوده و در آن زمینه فرستادن عده کافى جوانان مستعد وطن پرست

را بازویا و آمریکا بهترین وسیله میدانم و همچنین عقیده ندارم که تعلیم ابتدائی عمومی با فقدان کامل تعلیم عالی نتیجه مطلوبه را تواند داد همچنانکه عکس این فقره نیز کاملاً بی نتیجه خواهد بود لکن محض تکمیل استدلال میخواهم معارضین عقیده فوق را که اینهمه در تجزیه مطلب و فرض وجود یکی از دو قسم تعلیم بوجود دیگری اصرار دارند باین نکته نیز متوجه سازم که در صورتیکه فرض وجود يك ملتى که در آن تعلیم ابتدائی کمال انتشار را داشته و تعلیم عالی مفقود یا خیلی محدود و ضعیف باشد بر حسب استقراء محال است و چنین قومی در دنیا دیده نشده و تعلیم ابتدائی عمومی قهراً تعلیم عالی را احداث و ملت را متوجه بلزوم داشتن متخصصین فنی میکند و توجه عمومی هر چیز را ایجاد مینماید. فرض عکس این فقره یعنی وجود ملتى که در آن تعلیمات عالیه کافى و تشکیلات مدلى و فنى از هر قبیل قریبى موجود بوده ولى تعلیمات ابتدائی عمومی باندازه لى محدود و ناقص بوده باشد که قریب بفقدان کامل توان شمرده محال که نیست سهل است. در چوار خاک ما مملکت بزرگ و وسیعی از ایام شاه سلطان حسین صفوی تا اواخر مظفرالدین شله یعنی قریب دو قرن وجود داشته که همین حال را داشته و وجود هزاران مهندس و حقوق دان و ارباب فنون دیگر در آنجا موجب انتشار تعلیم ابتدائی در میان عامه مردم بدبخت آنجا نشد و همین عدم رشد ملت بالاخره موجب انواع گرفتاریهای ملی برای اهالی آن مملکت گردید

لصیوارم هر چه زود تر يك نهضتی جدی در مملکت بدبخت ما برای اهتمام در نشر تعلیم عمومی بوجود آمده و افکار عامه باین فقره و درجه اهمیت آن کاملاً متوجه گردیده فشار معنوی قوت آن افکار در مجلس ملی ششم حرکتی حادث کند که در نتیجه آن بودجه مملکت را قیل از

آخر سال خود مجلس (نه کمیسیون) تدقیق کرده مخارج بیهوده را حذف و مخارج وزارت خارجه و داخله و مالیه را تقلیل نموده اقلا دو میلیون تومان فقط برای نشر تعلیم ابتدائی در مملکت و تهیه مقدمات و وسایل آن از تأسیس دارالمعلمین های عالی و متوسط و کلاسهای معلمین ساده و روانه کردن محصلین فن معلمی بخارجه تخصیص بدهد و نگذارد در آخر سال بودجه را در يك روز از مجلس گذرانیده بگویند انشاءالله وجه کافی برای معارف درسال آینده منظور میشود علاوه بر این مجلس هیچ لایحه مالیاتی را نباید تصویب کند مگر با قید اینکه عایدات آن مخصوص نشر تعلیم ابتدائی یا امور صحی و یا فواید عامه و امور اقتصادی خواهد شد امیدوارم مستشاران آمریکائی ما در مالیه نیز درپیشرفت این مقصود مساعدت نمایند

غره اردیبهشت ماه سنه ۱۳۰۵



ژوبش گارنی و مطالعات فرنگی

از چاره کار پریشی کردم درس .-

در پاسخ این نکته سرائید سرورش :-

« از مایه دانش است آباد وطن

ای مرد وطن پرست در دانش کوش ! »